

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

کشور پهناور و زیبایمان ایران، به دلیل شرایط خاص جغرافیایی و آب و هوایی و نیز تاریخ تمدن دیرین، گنجینه ای غنی از طبیعت زیبا و جاذبه های تاریخی و باستانی می باشد که مقوله ای هستند بس گسترده و سالها تحقیق مداوم و موشکافانه را می طلبد و در قالب چنین گزارشهای مختصری نمی گنجد.

با این حال در این گزارش سعی شده است مطالبی هر چند مختصر در مورد یکی از این مناطق زیبا در شمال ایران که دارای پیشینه تاریخی غنی و مردمی مهربان، ساده و باصفا دارد ارائه نماید. تالش یا طوالش در شمال غرب استان سرسبز و زیبای گیلان، که علیرغم دارا بودن جاذبه های فراوان طبیعی و تاریخی، متأسفانه بدلالی مهجور و ناشناخته باقی مانده است.

امید که بتوانیم چنین نقاطی را که دارای پتانسیل بالای جذب گردشگر هستند در جای جای میهن زیبایمان بشناسیم و بنحوی شایسته، آن را در وهله اول به هموطنانمان در اقصی نقاط ایران و نیز به گردشگران خارجی معرفی کنیم.

در اینجا لازم می دانم از زحمات استاد گرانقدر آقای دکتر شیوا و نیز همکار خوبم آقای مهندس سیدیوسف صفوی میرحله و آقای مهندس پژمان امینی که خود ریشه در سرزمین زیبای تالش دارند و در این راه با راهنمایی های خود کمکهای بزرگی به بنده نمودند، قدردانی نمایم.

به امید روزی که درآمد صنعت گردشگری جایگزین صنعت نفت در کشورمان شود.

۱- مقدمه ای از استان گیلان

استان گیلان با مساحت ۱۴۷۱۱ کیلومتر مربع در میان رشته کوههای البرز و تالش در شمال ایران جای گرفته است. این استان به واحد جغرافیایی جنوب دریای خزر تعلق دارد و با استان های اردبیل در غرب، مازندران در شرق، زنجان در جنوب و کشور استقلال یافته آذربایجان و دریای خزر در شمال هم مرز و همسایه است. رود سفید تمشک که بین چابکسر و رامسر جاری است، آن را از استان مازندران جدا می کند.

گیلان در زمان های دور شامل وسعتی از کنار اردبیل و خلخال و در مغرب تا کلاردشت در مشرق بود که خاک آن از سوی شمال به دریا و از جنوب به شهر قزوین می رسید و این وسعت گاهگاه به سبب عوامل سیاسی و یا اجتماعی کم و یا زیاد می شد.

در قرن های اولیه پیش از میلاد، این خطه مسکن اقوام مختلف از جمله کادوسیها و کاس ها بود. طبق نوشته اوستا، آریائیهها در مسیر مهاجرت خود، به تعبیری «ون» و «مازن» یعنی گیلان و مازندران را نیز به متصرفات خود اضافه نمودند و با ادغام نژادی با مردم این سرزمین، موجب پیدایش تیره های مختلفی از جمله گیل و دیلم در کناره های دریای خزر شد که گیل ها در کنار دریا و دیلم ها در کوهستان زندگی می کردند.



شکل (۱) - شهرهای استان گیلان

۲- نگاهی اجمالی به تالش

شهرستان تالش با مساحتی حدود ۲۳۷۳ کیلومتر مربع که در شمال غربی گیلان قرار دارد، یک چهارم خاک استان را تشکیل می دهد. این شهرستان که نام خود را از قوم تالش گرفته و به استناد منابع و شواهد بسیار، بازمانده اقوام کادوس باستان و از همسایگان دیرین قوم گیل می باشد، از غرب به استان اردبیل، از شمال به آستارا و از جنوب به رضوانشهر و ماسال و از شرق به دریا و انزلی محدود شده و شامل شهرهای پره سر، ماسال، رضوانشهر و هشتپر می باشد.



شکل (۲) - بخشهای مختلف منطقه تالش

محدوده جغرافیایی قومی آن به مراتب از محدوده جغرافیایی سیاسی، یعنی واحدهای سیاسی و اداری که در قالب آن اداره می شود وسیع تر است.

تالش زبانان ایران بیش از چهارصد هزار نفرند و در شهرستان های آستارا، تالش، رضوانشهر، ماسال، فومن و شفت سکونت دارند. هر چند که اقوام تالش در صومه سرا و شهرستان های شرق گیلان قسمتی از مردم این شهرستان را تشکیل می دهند، لیکن از نظر جغرافیای سیاسی، تالشان عمدتاً در پنج شهرستان یاد شده زندگی می کنند.

تالشان خیلی قبل از کاسی ها و آریایی ها و کیمری ها و اسکیت ها و به زمانی که پروفیسور ساموئل کریمز از آن به " ادوار قهرمانی و دوران کوچ های باستانی ملت ها " نام می برد از آن سوی کوهستان قفقاز به مناطق جنوب سرازیر گشته و در اولین برخورد این سرزمین سبز و پرآب و نعمت کوهستانی را با شکارگاه های فراوان آن برگزیدند. آنها روزگار خود را با چادرنشینی و شکار و کشاورزی ابتدایی می گذراندند، آفتاب و آتش را می پرستیدند. اجاق، کانون آتش را در وسط چادرهای مدور خود بر پا می کردند و با افراد خانواده به دور آن می نشستند.

در نواحی تالش شمالی با مرکزیت لنکران و شهرهای لریک، سالیان، یاردملی، ماسللی، جلیل آباد و آستارا، بیش از دوبرابر تالشان ایران ساکن هستند. نواحی تالش شمالی به دنبال جنگ های ایران و روس در

نیمه اول قرن نوزدهم میلادی به عنوان غرامت جنگی به روسها واگذار شد. به عبارت بهتر واگذاری تالش به روسها بهایی بود که تالشان برای بقای حکومت قاجار پرداختند.

زبان و فرهنگ عامه مشترک دو شناسه برجسته فرهنگی است که دو بخش قوم تالش در دو سوی رودخانه مرزی آستار را به هم پیوند می دهد. همانطور که زبان این قوم در هر ناحیه به گویش ویژه ای رواج دارد. آیین ها، آداب، باورها و افسانه هایشان نیز جا به جا ویژگی های متفاوت از هم پیدا می کند.

بخش های مرکزی و اغلب نواحی شمالی منطقه تالش نشین، اهل تسنن و بخش جنوبی آن اهل تشیع می باشد که نقش مذهب در چگونگی و ساختار موسیقی این قوم قابل تأمل است. بویژه در حوزه موسیقی های مذهبی که مبتنی بر اعتقادات مذهبی کاملاً قابل تفکیک می باشند. تعدادی از اهل تسنن پیروان دراویش نقشبندی و اقلیتی هم پیروان دراویش قادریه می باشند.

از منظر طبیعی تالش سرزمینی زیبا با چشم انداز بسیار زیبا می باشد که از یک طرف به کوهستانهای سر به فلک کشیده و زیبا و از طرف دیگر به دریای بی کران و نیلگون کاسپین متصل است. هوایی معتدل و فرح انگیز دارد و آبی بسیار شیرین و گوارا. رطوبت هوا در حد اعتدال قرار دارد. نه مانند مناطق جلگه ای پر رطوبت و نه مانند استانهای همسایه خود خشک است. در ارتفاعات مناطقی که به زبان محلی به آن «بند» می گویند صخره ها و چمنزارها همدیگر را در آغوش گرفته اند.

شکل (۳) - نمایی از طبیعت

زیبای تالش



از محصولات تولید شده در تالش می توان به برنج، توتون و مرکبات اشاره کرد. این تنوع و فراوانی محصولات سبب شده که تالش بازارهای هفتگی پررونقی داشته باشد. از آن جمله می توان به یکشنبه بازار چوبر که اختصاص به معاملات دام دارد، پنجشنبه بازار شاندرمن که در آن انواع نهالها،

دست ساخته های پشمی و نخی و فراورده های محلی مواد غذایی عرضه می شود همچنین می توان به پنجشنبه بازار هشتیر اشاره کرد که در آن اغلب زنان و مردان با لباسهای محلی حاضر شده و محصولات منطقه ای خود شامل برنج، انواع سبزیها و میوه های درختی را به فروش می رسانند.

تالش از سه جهت به کوههای تالش که ادامه رشته کوههای البرز هستند و از طرف دیگر به دریای زیبای خزر منتهی می شود. کشف آثار تمدن ۴۵۰۰ ساله در ییلاق آق اولر تالش جلوه های بیشتری به این منطقه خوش آب و هوا داده است. شهرستان تالش یکی زیباترین شهرهای طبیعی جهان از نظر آب و هوا و پوشش گیاهی است و حیوانات ساکن در جنگلهای آن شهرت جهانی دارد. بخش اعظمی از تالش طی عهدنامه های گلستان و ترکمانچای از آن جدا شده و به روسیه ملحق شده اند. امروز تقریباً بالای ۹۷٪ مردم تالش با سواد هستند. اولین کتابخانه ایران نیز در این منطقه بنا شده است.

۳- وجه تسمیه تالش

شماری از پژوهشگران ، تالش را یک واژه محلی می دانند که از تول به معنی گل و لای گرفته شده و در جای نام سرزمین مورد نظر قرار گرفته است. به گمان اینان مردم آن دیار را بایستی تالشی نامید. شماری دیگر تالش را دگرگون یافته واژه «کادوس کادوش» می دانند. در حالی که این واژه در زمان باستان نام سرزمینی بوده که بعد ها «طیلسان» خوانده شده است. شماری نیز تالش را قبیله ای ترک نژاد از مردم آسیای مرکزی پنداشته اند که توسط مغول ها در سرزمین امروزی آنها اسکان داده شده اند. بعضی هم بر این باورند که سرزمین تالش کنونی به گفته تاریخ نگاران رومی و یونانی ، در روزگار باستان «کادوس» یا «کادوش» نام داشت و مردم آن ، کادوسی و به جمع کادوسی ها - کادوسیان نامیده می شدند. ولی بعد ها این واژه از میان رفت و به جای آن ، نخست طیلسیان به هر دو معنی مردم و سرزمین ، رواج پیدا کرد و سپس از زمان مغولان واژه تالش که خود از طیلسان گرفته شده بود ، به عنوان نام تیره و مردم رایج شد. اما بعد ها ظاهراً به دلیل این که سرزمین مورد سکونت قوم مزبور نام مشخصی نداشت ، واژه تالش ، تالش و جمع آن توالش و طوالش هم به مردم و هم به سرزمین تالش اطلاق گردید. بررسی این آرا و باورها می رساند که هیچکدام خالی از پیچیدگی و کاستی نیست. اما بررسیها و پژوهشهای عینی و میدانی در سراسر منطقه تالش نشین ایران ، نشان می دهد که مردم این سرزمین خود را «تالش» می نامند و برای سراسر منطقه قومی خویش ، نام یگانه ای نمی شناسند و برابر عرف آنها این سرزمین به نواحی بزرگ ایلی بخش شده و هر یک از این نواحی نام ویژه ای دارد و همان نام بیشتر به بزرگترین آبادی ناحیه نیز اطلاق می شود و مجموعه این نواحی یا همان منطقه تالش نشین نیز به دو بخش بزرگ اقلیمی بخش شده و به نامهای «کو» ، «کوه» نقاط کوهستانی گلون = گیلان ، نقاط دشتی سرشناس اند. بدین ترتیب اطلاق عنوان تالش یا طوالش به این منطقه به صورت یک نامگذاری رسمی و اداری جلوه گر شده است ، که در نزد مردم تالش ، مفهوم و کاربرد تعیین شده اش را ندارد. این موضوع و همچنین اسناد دوران مغول که در آنها واژه تالش به

طور مطلق و صراحت به معنی نام قوم آمده است و شواهد دیگری که در آثار پیش و بعد به چشم می خورد ، نشان می دهد این نظر که تالش نام مردم است نه نام سرزمین توان بیشتر می یابد.

۴- مردم تالش

مردم تالش را می توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱- مردم یکجانشین که در روستاها و شهرها زندگی می کنند و پیشه شان کشاورزی است و به آنها تالش می گویند.

۲- باشندگان بلندپها که پیشه آنها دامداری است و اصطلاحاً گالش نامیده می شوند.

از دیرباز زندگی در کوهستانهای بلند، گالش ها را در برابر بیماریهای گوناگون بیمه کرده است. راه های دشوارگذر و باریک که رخنه در آن دشوار بود، گالشان را تنومند، چالاک و گردنکش بار آورده بود. از همین رو با وجود ساختار کوچ نشین، در برابر نیروهای پیرامون خود به ستیز بر می خاستند. چیرگی بر چنین مردم بی نیاز، دلاور و بی باک بسیار سخت بود. در حالی که تالشان، یعنی جلگه ای ها، دچار بیماری های گوناگون بوده و به آسانی زیر چیرگی فرمانروایان گوناگون در می آمدند. در گیلان هر جا سخن از تفنگ



اندازی زبردستانه، کشتن جانوران بزرگ پیکر، ورزیدگی در سوارکاری و جز اینهاست، نام گالش می درخشد.

شکل (۴)- یک خانواده تالشی (یکجا نشین)

جنگجویی

تالشان به دلیل برخورداری از توانایی جسمی بالا و چیره دستی در تیراندازی نگهبانی بیشینه شهرهای گیلان را بر دوش داشته اند. میرزا احمد میرزا خداویردی در توصیف و بازنمود جنگهای تالشان می نویسد که آنها خنجر به دست یا علی گویان به دشمن هجوم می بردند. تالشان از رهگذر ساختار قومی ویژه خود، واپسین وارد کننده فناوریهای زمان خود به ویژه جنگ افزار بوده اند. در دوره شاه تهماسب نخستین گروه سیصد نفره تالشان که در سپاه صفوی خدمت می کردند مجهز به تفنگ شدند؛ ولی تا پایان دوره دوم جنگهای ایران و روس کاربرد جنگ افزار سرد در جنگ با دشمنان همواره در میان آنها رواج داشت.

❖ ایلات و عشایر تالش

با گرم شدن هوا و فراهم شدن شرایط طبیعی ییلاق و مرتع، کوچ بهاره تالشها از «زمستونه مندَن» (سکونتگاه زمستانی) به «بهاره مندَن» (سکونت گاه بهاری) در سرتاسر تالش از آستارا تا رودبار آغاز می شود. تالشان که دامهایشان را زودتر از انسانها می کوچانند؛ خود با وسایل نقلیه موتوری یا با استفاده از اسب به طرف ییلاق کوچ می کنند.

کوچ انسانی تالشها دو نوع است: کوچ رمه داران که زودتر انجام می شود و کوچ خوش نشینان یا ییلاق نشینان که پس از رمه داران انجام می شود و اقامت کوتاهی نسبت به رمه داران در ییلاق دارند. با فرارسیدن شهریور هر سال، ییلاق نشینان تالش که عمدتاً از خوش نشینهای تالش هستند، بازگشت به شهرهای تالش را آغاز می کنند. اما دامداران تالش، تا آغاز سرما؛ یعنی تا نخستین بارش برف در ییلاق باقی می مانند.

عشایر تالش به سه گروه تقسیم می شوند:

الف) عشایر هشتپر

- عشایر ریک، گرگانرود و عنبران: این بخش عشایر دامدار کوچنده و دارای پیشینه تاریخی کهنی می باشند. یافته های باستانشناختی مریان نشان می دهد که مردم تالش تا هشت هزار سال پیش دارای تمدنی درخشان بوده اند. بنابراین بخش اعظم تاریخ تالش از گنجینه های با ارزش این منطقه قابل کشف است و بدین جهت از اهمیت ویژه ای برخوردار است.
- عشایر بخش طولارود: در قسمت جنوب منطقه ریک حوزه عشایر طولارود قرار دارد. منطقه طولارود در ابتدا با نام «تول رود» شناخته می شده است و آن بدلیل رودخانه ای بود که در این منطقه جاری بوده است.
- ایل خاشابری (خاشه بری):^۱ ایل خاشه بری در بخش تالش دولا ب در سرتاسر رودخانه خاشه بر سکونت دارند. در وجه تسمیه این ایل می گویند: چون درب خانه جد بزرگ مردم این ایل از استخوان بوده است و به زبان تالشی استخوان را خاش و در را بر گویند لذا اسم این ایل مشهور به خاشابر یا خاشه بر شده است. زندگی این ایل بر مبنای نیمه شبانی استوار بوده و مراتع ییلاقی آنان هنوز اشتراکی است.

^۱ Khaashaabari